

حقوق فرهنگی

مرتضی اصغر نیا

پژوهشگر دکتری حقوق عمومی
دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه

Asgharnia@ut.ac.ir

آذرماه ۱۳۹۵

حوزه های جدید مطالعاتی و حقوق فرهنگی

- کارکردهای سنتی و مدرن دولت ها در جوامع سیاسی (از برقراری نظم عمومی و امنیت داخلی و استقرار و اجرای عدالت تا تضمین و حمایت از حقوق فرهنگی شهروندان)
- مطالعات میان رشته ای و دانش حقوق (فلسفه، سیاست، تاریخ، اخلاق، پزشکی، جامعه شناسی)
- ظهور حوزه های جدید در دانش حقوق نظیر:
 - - حقوق انرژی
 - - حقوق پزشکی
 - - حقوق اقتصادی
 - - حقوق نفت و گاز
 - - حقوق اجتماعی
 - - حقوق ارتباطات
 - - حقوق تجارت بین الملل
 - - حقوق مالکیت فکری و معنوی
- همبستگی پیدایش نیازهای جدید و ظهور مجموعه حقوقی جدید

عناصر تشکیل دهنده حقوق فرهنگی و تعریف آن

عناصر تشکیل دهنده مفهوم حقوق فرهنگی: ۱. حقوق ۲. فرهنگ

◎ تعریف حقوق فرهنگی:

- حقوق فرهنگی، بخشی از حقوقی هستند که در قالب نسل دوم حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته اند و در امتداد حقوق اقتصادی و اجتماعی از آن ها نام برده می شود.
- حقوق فرهنگی، دسته‌ای از حقوق بشر است که از حق انسان به مشارکت در حیات فرهنگی جامعه، بهره‌مندی از توسعه‌های علمی، حفظ اخلاق و منافع اصولی در علوم، کسب دانش یا تولیدات هنری، دستیابی به آموزش و حفظ هویت فرهنگی، زبانی و آداب و رسوم حمایت می‌نماید.
- یونسکو نیز، مفهوم حقوق فرهنگی را به معنای حق انسان برای دسترسی به فرهنگ در تمام ابعاد آن می‌داند. بدین معنا که تمامی انسان ها حق دارند تا از فرآورده های فرهنگی استفاده کرده و در امر تولید فرهنگ نیز، مشارکت نمایند.
- مقوله حقوق فرهنگی، ناظر بر این نکته اساسی است که مفهوم حق را نباید صرفاً در عرصه‌های فردی و آزادی‌های اساسی، مدنی و سیاسی جستجو کرد و وظایف دولت را نیز نباید محصور در پاسداشت این حقوق دانست.
- لذا اساساً تعریف حقوق فرهنگی بدان دلیل دشوار است که تعریف خود فرهنگ نیز آسان نبوده و به دلیل اختلافات فراوانی که در مورد تعریف فرهنگ و حقوق ناشی از آن وجود دارد، طبعاً مصداق های آن نیز مورد اختلاف و محل بحث و گفتگو خواهد بود.

نکاتی در باب حق و حقوق در ذیل مفاهیم حقوق بشر

- ◉ هر حق متشکل از چهار عنصر است، که عبارتند از: اختصاص، تسلط، احترام گذاشتن دیگران به حق و نهایتاً حمایت قانون از حق؛ عنصر اول و دوم بیانگر ماهیت حق و دو عنصر دیگر، مبین تکالیف اشخاص ثالث در قبال حق است.
- ◉ از لوازم حق، اختصاص چیزی به کسی است.
- ◉ هر حقی، مستلزم تکلیفی برای دیگران و مراعات آن در مورد صاحب حق است.
- ◉ وجود حق، مستلزم برتری و امتیازی برای صاحب آن در مقایسه با دیگران است.
- ◉ حق، اعتباری خاص و امتیازی ویژه است که به واسطه حقوق طبیعی و یا حقوق موضوعه برای شهروندان شناسایی و مورد حمایت قانونی قرار می گیرد.
- ◉ عنصر اضافه و به عبارت دیگر رابطه اضافی بین ذی حق و متعلق حق و من علیه الحق یکی از ویژگی های حق است.
- ◉ حق، امری اعتباری است که به موجب آن هر ذی حقی شایستگی بهره‌وری از امتیازی خاص می‌یابد، به نحوی که مراعات آن بر دیگران نیز لازم است.

نکاتی در باب فرهنگ

- مقوله فرهنگ، همواره از رایج‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین و پر ابهام‌ترین مفاهیم مورد استفاده در علوم گوناگون بوده است.
- فرهنگ، از جمله واژه‌هایی است که در حوزه‌های تخصصی علوم مختلف نظیر: تاریخ، حقوق، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، انسان‌شناسی، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و... به عنوان کلید واژه تبیین و توصیف، بسیاری از کنش‌ها، حالات، آداب و رسوم و خلیات، شعائر و آئین‌ها و نمادهای فردی و اجتماعی به کار گرفته شده است.
- فرهنگ، از جمله مفاهیمی است که به راحتی تعریف‌پذیر نمی‌باشد.
- این امر از سرشت و ماهیت وجودی فرهنگ ناشی می‌شود که عمدتاً قالب‌ناپذیر است.
- تا به امروز اندیشمندان و فرهنگ‌شناسان برای روشن ساختن مفهوم فرهنگ، صدها تعریف از فرهنگ ارائه نموده‌اند.
- مشهورترین تعریف ارائه شده از فرهنگ متعلق به تیلور، مردم‌شناس انگلیسی است. وی در کتاب مشهور خود با عنوان جوامع ابتدایی (۱۸۷۱ میلادی) فرهنگ را چنین تعریف می‌نماید: فرهنگ را می‌توان مجموعه مساعی بشر برای تطبیق یافتن با محیط خویش و اصلاح طرز زندگی اش دانست. به عبارت دیگر، فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای شامل شناخت، باورها، ارزش‌ها، هنر، اخلاقیات، قانون، رسوم، رفتارها و هرگونه قابلیت و عاداتی که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه کسب کرده است.
- در کلی‌ترین مفهوم، فرهنگ را می‌توان کلیتی پیچیده متشکل از خصیصه‌های متمایز روحانی، مادی، فکری و عاطفی دانست که ویژگی‌های یک جامعه یا گروه اجتماعی به شمار می‌آیند و نه تنها هنر و ادبیات، بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی انسان‌ها، نظام ارزشی و نسبت‌ها و باورها را نیز در بر می‌گیرد.

نسبیت حقوق فرهنگی با حقوق شهروندی و حقوق بشر

● تمایزات و تشابهات حقوق بشر و حقوق شهروندی چیست؟!

● رابطه منطقی میان حقوق بشر و حقوق شهروندی چیست؟!

تساوی / تباین / عموم و خصوص من وجه / عموم و خصوص مطلق

● آیا حقوق فرهنگی جزئی از حقوق بشر است؟!

● آیا حقوق فرهنگی جزئی از حقوق شهروندی است؟!

● حقوق فرهنگی در هر دو حوزه حقوق بشر و حقوق فرهنگی موضوعیت دارد.

● مقصود از حقوق بشر، حقوق و امتیازاتی است که به انسان بما هو انسان بدون توجه به قیودی چون: نژاد، زبان، مذهب، ملیت و جنسیت تعلق می یابد و هر انسانی به حکم انسان بودن خویش، دارای این حقوق قابل احترام می باشد که می بایستی از جانب همگان مورد احترام و رعایت قرار گیرد.

● مقصود از حقوق شهروندی، حقوق و امتیازاتی است که به یک شهروند به واسطه قرار گرفتن در وضعیت شهروندی در یک چارچوب سرزمینی معین به واسطه دارا بودن رابطه تابعیت تعلق یافته و توسط دولت و قدرت سیاسی مستقر در جامعه مورد تضمین و حمایت قرار می گیرد.

ویژگی های حقوق فرهنگی

- حقوق فرهنگی جزئی از حقوق شهروندی و حقوق بشر است.
- حقوق فرهنگی در حوزه حقوق عمومی معنا و مفهوم ویژه ای می یابد.
- حقوق فرهنگی دارای آثار قابل توجهی در هر دو حوزه حقوق عمومی و حقوق خصوصی می باشد.
- حقوق فرهنگی متضمن اقدامات مثبت حمایت گرایانه از سوی دولت ها است.
- حقوق فرهنگی عام الشمول و فراگیر بوده و تمامی ابنای بشر، حق تمتع و استیفای از آن را دارا می باشند.
- حقوق فرهنگی در قالب حقوق نسل دوم حقوق بشر مورد شناسایی و تبیین قرار گرفته است.
- اقدامات حقوقی و تقنینی دولت ها در ارتباط با حقوق فرهنگی شهروندان در جوامع مختلف، از یکدیگر متفاوت است.
- بی توجهی به حقوق فرهنگی منجر به نامیدن این دسته از حقوق با عناوینی چون دسته «مورد غفلت واقع شده» یا دسته «توسعه نیافته» گردیده است، تا آنجا که حتی برخی از اندیشمندان و صاحب نظران حوزه حقوق و فرهنگ، منکر وجود آن شده و یا حداقل وظایف و تکالیف دولت ها و حکومت ها را در برابر آن انکار نموده اند.

تاریخچه حقوق بشر

- حقوق بشر، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ حیات بشر دارد.
- نخستین نشانه‌های حقوق بشر در قانون حمورابی، پادشاه بابل (۱۶۵۸-۱۷۳۰ قبل از میلاد) دیده شده است.
- در قرن ششم قبل از میلاد، کوروش کبیر نیز منشوری تنظیم کرد که در آن به آزادی مذاهب و ملل بیگانه اشاره شده بود. امروزه، فرمان کوروش کبیر پس از فتح بابل، نخستین و قدیمی ترین سند تاریخی در زمینه حقوق بشر محسوب می‌گردد.
- در قرون وسطی نیز، "منشور گامناکارتا" معروف به منشور کبیر انگلستان به سال ۱۲۱۵ میلادی صادر شد.
- پس از آن نخستین حقوق سیاسی و مدنی که به‌طور واقعی به شهروندان اعطاء گردید، در جریان "اعلامیه استقلال آمریکا" (۱۷۷۶ میلادی) و "اعلامیه حقوق بشر و شهروند" (۱۷۸۹ میلادی) انقلاب فرانسه بود.
- در قرن نوزدهم میلادی، تضمین رعایت حقوق بشر عمدتاً فیما بین خود دولت‌ها انجام می‌پذیرفت. با این وجود، بین‌المللی شدن حقوق بشر در قرن بیستم با امضای قرارداد حمایت از اقلیت‌ها، تحت نظر جامعه ملل صورت گرفت.

تاریخچه حقوق بشر

- ◉ در حقوق بین‌الملل کلاسیک، تنها دولت‌ها دارای حق و تکلیف بوده و به عبارت دیگر، تابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌شدند و فرد، هیچ‌گاه به خودی خود مورد توجه و مخاطب قرار نمی‌گرفت
- ◉ لذا، همزمان با تأسیس سازمان ملل متحد به دلیل تجربه تلخ نقض‌های شدید حقوق بشر در جنگ جهانی دوم، مسأله حقوق بشر به عنوان یکی از اهداف منشور ملل متحد در بند ۳ ماده ۱ منشور ذکر شد.
- ◉ به این ترتیب مسأله حقوق بشر، در ابعادی وسیع از حیطة حاکمیت دولت‌ها بیرون آمد و وارد عرصه حقوق بین‌الملل شد.
- ◉ نخستین و بهترین اقدام سازمان ملل متحد در این زمینه، به تصویب رساندن "اعلامیه جهانی حقوق بشر" در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی بوده است.
- ◉ اعلامیه جهانی حقوق بشر از دید حقوقی، صرفاً اعلامیه‌ای است که در آن مجمع از عبارت "توصیه می‌شود"، استفاده کرده است. اما این اعلامیه، به خودی خود دارای مفاهیم گسترده‌ای می‌باشد، به نحوی که موجب پدیداری اسناد متعددی در ارتباط با حقوق بشر شده است. در دسامبر ۱۹۶۶ میلادی، دو میثاق "حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" و "حقوق مدنی و سیاسی" به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

تاریخچه حقوق بشر

◉ در کنار این دو میثاق، دیگر معاهدات بین‌المللی حقوق بشر نیز به تدریج، پا به عرصه وجود گذاشتند؛ از جمله "کنوانسیون بین‌المللی محو هر نوع تبعیض نژادی" (۱۹۶۹ میلادی)، "کنوانسیون مقابله با شکنجه، رفتارها و مجازات‌های خشن و غیر انسانی" (۱۹۶۹ میلادی)، "کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات نژاد پرستی آپارتاید" (۱۹۷۶ میلادی)، "کنوانسیون محو انحاء تبعیض علیه زنان" (۱۹۸۷ میلادی)، "کنوانسیون حقوق کودک" (۱۹۹۰ میلادی) و "کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و خانواده‌هایشان" (۱۹۹۰ میلادی).

◉ در کنار این کنوانسیون‌های جهانی برای حمایت و حفاظت از حقوق بشر، کنوانسیون‌های منطقه‌ای بسیاری نیز، در مناطق مختلف جهان پا به عرصه وجود گذاشتند: "کنوانسیون اروپایی حقوق بشر" (۱۹۵۰ میلادی)، "کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر" (۱۹۶۹ میلادی) و "کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر" (۱۹۸۱ میلادی) و اعلامیه حقوق بشر اسلامی (۱۹۹۰ میلادی).

حقوق بشر و نسل های سه گانه آن

- ◉ اساساً پنج مقوله گوناگون حقوق بنیادین انبای بشر را تشکیل می دهند، که عبارتند از: حق حیات، حق آزادی، حق مشارکت سیاسی، حق برخورداری از حمایت قانونی و حق برخورداری از خدمات بنیادین اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی.
- ◉ این حقوق در قالب سه دسته و گروه کلی که به اصطلاح سه نسل حقوق بشر نامیده می شوند، گسترده شده اند و شامل ترکیب پیچیده ای از حقوق آزادی و حقوق ادعا می باشند. بر اساس تحولات تاریخی در حوزه حقوق بشر، تاکنون سه "دسته" یا سه "نسل" از حقوق به رسمیت شناخته شده است:
- ◉ نسل اول حقوق بشر که "حقوق مدنی و سیاسی" را مورد توجه قرار می دهد، بر پایه اصل آزادی انسان و بهره‌مندی وی از حقوق اساسی شکل گرفته است.
- ◉ نسل دوم حقوق بشر که "حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" را مورد توجه قرار می دهد.
- ◉ نسل سوم حقوق بشر که "حق نسبت به توسعه، حق نسبت به صلح و حق نسبت به محیط زیست" را مورد توجه قرار می دهد.

حقوق بشر و نسل های سه گانه آن

- ◉ از لحاظ تاریخی عطف تولد نسل اول حقوق بشر در عرصه حقوق بین الملل را می توان مربوط به تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر به سال ۱۹۴۸ دانست، که عمدتاً مربوط به تلاش های کشورهای غربی بوده است. اما نسل دوم حقوق بشر، عمدتاً بر اثر فشارهای کشورهای سوسیالیستی بین سال های ۱۹۶۰ - ۱۹۷۰ متولد شده است.
- ◉ حق های نسل اول، حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی هستند که عمدتاً از جنس حق های سلبی یا منفی اند که نباید در مقابل اجرای آنها توسط صاحبان حق، موانعی ایجاد نمود.
- ◉ حق های نسل دوم عمدتاً تحت عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد شناسایی قرار گرفته اند. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور عمده از جنس حق های ایجابی یا مثبت می باشند که تحقق آنها منوط به فراهم آمدن یک سری شرایط و امکانات بوده و در واقع می بایستی که اقدام مثبتی در جهت تحقق آنها انجام پذیرد.
- ◉ در حالی که نسل اول نوعاً بر عدم مداخله دولت تأکید دارد، حق های نسل دوم مستلزم مداخله و حمایت دولت ها به طرق مختلف هستند.

خاستگاه تاریخی حقوق فرهنگی

- ◉ نقطه ظهور و بروز آنچه امروزه حقوق فرهنگی نامیده می شود، به سال های پس از دهه هفتاد میلادی و همزمان با تصویب میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد و کنوانسیون های بین المللی مصوب مرتبط به آن باز می گردد.
- ◉ اندیشه تأسیسی حقوق فرهنگی از رشد و توسعه آرمان های سوسیالیستی و مفاهیم مربوط به آن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و پیدایش جنبش کارگری در اروپا سرچشمه گرفته است.
- ◉ تمایز میان این حقوق و حقوق نسل اول را به طور دقیق تر می توان ناشی از تعارض ایدئولوژیک میان کشورهای بلوک شرق و غرب دانست که در خلال تهیه میثاقین در حوزه حقوق بشر وجود داشت: از یک سو، کشورهایی که وابسته به اتحاد جماهیر شوروی بوده و مدافع به رسمیت شناخته شدن و گسترش حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بودند و از سوی دیگر کشورهای غربی، که خواهان تقدم و برتری حقوق مدنی و سیاسی بر دیگر حقوق مطروحه بودند.

حقوق فرهنگی در اسناد بین المللی حقوق بشری

- ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع، شرکت کند ... و هر کس حق دارد از حمایت از منافع مادی و معنوی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.
- ماده ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی _ سیاسی: در کشورهایی که اقلیت های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، افرادی که متعلق به این اقلیت ها هستند را نباید از حق تشکیل اجتماعات با اعضای گروه خود و نیز، بهره مندی از فرهنگ و اظهار و انجام فرایض مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان محروم نمود.
- ماده ۱۵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی: ۱. دولت های عضو این میثاق، حقوق زیر را برای هر فرد به رسمیت می شناسند: مشارکت در زندگی فرهنگی، برخورداری از مزایای پیشرفت های علمی و کاربرد آن، حمایت از منافع مادی و معنوی که در نتیجه اثر علمی، ادبی و هنری فرد به وجود آمده است. ۲. اقداماتی که به وسیله دولت های عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حقوق در این میثاق به عمل خواهد آمد و شامل اقدامات لازم جهت حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ می باشد. ۳. دولت های عضو این میثاق، به منافع حاصل از تشویق و توسعه تماس ها و همکاری های بین المللی در زمینه های فرهنگی و علمی معترف هستند.

شاخص ترین رویکردهای موجود در ارتباط با مصادیق حقوق فرهنگی

۱. تقسیم بندی لیندر: این تقسیم بندی در واقع گزارشی است که برای سازمان یونسکو با عنوان "لیست مقدماتی حقوق فرهنگی" در سال ۱۹۹۶ تهیه شده است. این تقسیم بندی مشتمل بر ۱۵ حق فرهنگی در ۱۱ دسته است:

- حق بقای فیزیکی
- حق بر توسعه بومی
- حق بر هویت فرهنگی
- حق آزادی عقیده و بیان
- حق مشارکت در زندگی فرهنگی
- حق بر آموزش و انتخاب نوع آموزش
- حق آزادی مذهب و انجام مناسک مذهبی
- حق برخورداری از میراث مادی و معنوی
- حق مشارکت در تواناسازی رویه های فرهنگی
- حق برخورداری از محیط زیست فرهنگی و فیزیکی
- حق تشکیل اجتماعات و شناسایی اجتماعات فرهنگی

شاخص ترین رویکردهای موجود در ارتباط با مصادیق حقوق فرهنگی

۲. تقسیم بندی پروت: این تقسیم بندی با عنوان "حقوق فرهنگی" به عنوان حقوق خلق ها در حقوق بین الملل و مشتمل بر ۱۱ حق، تهیه و تدوین شده است:

- حق بر آموزش
- حق بر هویت فرهنگی
- حق برخورداری از توسعه فرهنگی
- حق حمایت از آثار هنری، ادبی و علمی
- حق مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه
- حق ابنای بشر بر عدم تحمیل فرهنگ بیگانه
- حق برخورداری مساوی از میراث مشترک بشریت
- حق والدین در انتخاب نظام آموزشی و تعلیم و تربیت فرزندان
- حق بهره مند شدن مردم از ثروت فرهنگی، تاریخی و هنری خود
- حق آزادی بیان، با سایر حقوق تابعه آن نظیر: حق آزادی مذهب و اجتماع
- حق اقلیت ها برای مورد احترام گذاری به هویت، زبان، سنت و میراث فرهنگی آنان

شاخص ترین رویکردهای موجود در ارتباط با مصادیق حقوق فرهنگی

۳. تقسیم بندی فرایبورگ: "اعلامیه حقوق فرهنگی فرایبورگ"، مصوب ۷ می سال ۲۰۰۷ میلادی نیز با جامعیت خاصی به مقوله حقوق فرهنگی پرداخته است، و موارد ذیل را مورد توجه قرار داده است:

- حق بر آموزش
- حق برخورداری از میراث فرهنگی
- حق مشارکت در پیشرفت های علمی و هنری
- حق برخورداری از آزادی اطلاعات و ارتباطات
- حق بر انتخاب نوع نظام آموزشی فرزندان از سوی والدین آنان
- حق بر خلاقیت های فرهنگی (حفظ حقوق مادی و معنوی مولف)
- حق بر انجام همکاری های فرهنگی در کلیه سطوح اعم از داخلی و بین المللی
- حق برخورداری از پیش شرط های ضروری برای حمایت از فرهنگ؛ نظیر: حق آزادی بیان و حق آزادی مذهب

ضمانت اجرای حقوق فرهنگی و ماهیت تعهدات دولت ها

- ⊙ اصطلاح حقوقی ضمانت اجرا به معنای حمایت مراجع رسمی ذی صلاح در اعمال قانون، معاهده و عرف می باشد.
- ⊙ اساساً برای اطمینان از اجرای هر قاعده حقوقی، تدابیری نیاز است که بر اساس آن عکس العمل متناسبی در مورد تخلف از اجرای قواعد مزبور در نظر گرفته شود، به نحوی که همین امر خود پشتوانه اجرای مقررات حقوقی می باشد.
- ⊙ تعهد دولت ها در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عمدتاً تعهد به وسیله بوده و طبعاً دولت ها برای تدارک چنین حقوقی بر اساس توانایی ها و امکاناتشان اقدام می نمایند و از آنجایی که ماهیت این حقوق به گونه ای است که دخالت مثبت دولت در تهیه امکانات مادی را می طلبد، طبعاً در این زمینه محدودیت منابع و امکانات بسیار مؤثر می باشد.
- ⊙ لذا سه شکل تعهد دولت ها در این زمینه عبارتند از: تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفاء.
- ⊙ خصلت غالب و مسلط تعهدات دولت ها در ارتباط با مربوط به حقوق فرهنگی ماهیت تدریجی بودن تحقق آنهاست.

جمع بندی مباحث حقوق فرهنگی

- ◉ هیچ‌یک از اسناد حقوق بشری، حقوق فرهنگی را به صورت جامع و کامل تعریف نکرده و مصادیق آن را به تفصیل برنشموده‌اند.
- ◉ با این حال مهم‌ترین اسناد حقوق بشر، یعنی بیانیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به معدودی از این حقوق اشاراتی نموده‌اند.
- ◉ همچنین، اکثر اسناد یونسکو که به حقوق فرهنگی خاص پرداخته‌اند، بیانیه‌ها و توصیه‌های الزام‌آور با پشتوانه قانونی مناسب نیستند.
- ◉ بنابراین، لزوم تدوین حقوق فرهنگی به همراه پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای حقوقی مؤثر و کارآمد به منظور ارائه فهرستی تفصیلی از آن‌ها در ذیل یک کنوانسیون الزام‌آور، کاملاً لازم و ضروری به نظر می‌رسد.
- ◉ حقوق فرهنگی به طور عمده از جنس حق‌های ایجابی یا مثبت می‌باشند که تحقق آنها منوط به فراهم آمدن یک سری شرایط و امکانات بوده و در واقع می‌بایستی که اقدام مثبتی در جهت تحقق آنها انجام پذیرد.
- ◉ حقوق فرهنگی به منظور تحقق، مستلزم مداخله و حمایت دولت‌ها است.

جمع بندی مباحث حقوق فرهنگی

- ⊙ مهم‌ترین اسناد حقوق بشر، یعنی بیانیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تنها به برخی از این حقوق اشاراتی نموده اند.
- ⊙ همچنین، اکثر اسناد یونسکو که به حقوق فرهنگی خاص پرداخته اند، بیانیه‌ها و توصیه‌های الزام‌آور با پشتوانه قانونی مناسب نیستند.
- ⊙ بنابراین، لزوم تدوین حقوق فرهنگی به همراه پیش بینی ضمانت اجرای حقوقی مؤثر و کارآمد به منظور ارائه فهرستی تفصیلی از آن‌ها در ذیل یک کنوانسیون الزام‌آور، کاملاً لازم و ضروری به نظر می‌رسد.
- ⊙ حقوق فرهنگی به طور عمده از جنس حق‌های ایجابی یا مثبت می‌باشند که تحقق آنها منوط به فراهم آمدن یک سری شرایط و امکانات بوده و در واقع می‌بایستی که اقدام مثبتی در جهت تحقق آنها انجام پذیرد.
- ⊙ حقوق فرهنگی به منظور تحقق، مستلزم مداخله و حمایت دولت‌ها است.
- ⊙ واقعیت این است که جایگاه و اهمیت حقوق فرهنگی هنوز هم برای بسیاری از شهروندان ناشناخته است.

جمع بندی مباحث حقوق فرهنگی

- گرچه حقوق بشر، به معنای واقعی خود و در همه انواعش، برای برخی قدرتمندان در دنیای امروز شعاری بیش نیست و تنها ابزاری برای توسعه قدرت و تأمین منافع نامشروع آنان به شمار می رود، اما مهوریت و مظلومیت حقوق فرهنگی مشتمل بر حقوقی چون: حق برخورداری از پیش شرط های ضروری برای حمایت از فرهنگ؛ نظیر: حق آزادی بیان و حق آزادی مذهب، حق بر انجام فعالیت های فرهنگی در کلیه سطوح اعم از داخلی و بین المللی، حق برخورداری از توسعه فرهنگی، حق تشکیل اجتماعات و شناسایی اجتماعات فرهنگی، حق برخورداری مساوی از میراث مشترک بشریت، حق حمایت از آثار هنری، ادبی و علمی، حق بر هویت فرهنگی، حق مشارکت در پیشرفت های علمی و هنری، حق بر آموزش و انتخاب نوع نظام آموزشی، حق اقلیت ها برای مورد احترام گذاری به هویت، زبان، سنت و میراث فرهنگی آنان، همچنان امری محسوس و ناپذیرفتنی است.
- بررسی حقوق فرهنگی در ذیل حقوق شهروندی، مباحث مفصلی جداگانه ای را می طلبد و مستلزم بررسی قوانین اساسی و عادی و مقررات موضوعه مختلف است.
- با این حال، توجه به این نکته ضروری است که حقوق فرهنگی در معنای موسع آن عمدتاً به دلیل پراکندگی آن در قوانین و مقررات مختلف، تعدد نهادها و دستگاه های اجرایی متولی آن، عدم وجود ضمانت اجراهای قانونی لازم برای تحقق آن و نهایتاً نگرش سیاسی و قومیتی به مصادیق آن از سوی برخی کشورها با مشکلات و موانع جدی در مقام عمل روبرو می باشد.

با سپاس از حسن توجه شما